

عبور از ظاهر به باطن پیاده روی اربعین

متن زیر یادداشتی است که حجت الاسلام والمسلمین عبدالله محمدی عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به مناسبت اربعین امسال که عاشقان ابا عبدالله (ع) در ایران اسلامی از پیاده روی میلیونی اربعین بازماندند، نوشته است:

«این حادثه‌ی راه‌پیمایی را شکر کنید. شکرش از جمله به این است که آن روحیات را، آن حالات را -که در این دو سه روزی که مشغول راه‌پیمایی بودید، آنجا مشاهده کردید یا احساس کردید- در خودتان نگه دارید؛ آن برادری را، آن مهربانی را، آن توجه به ولایت را، آن آماده شدن بدن برای تعب کشیدن را، آن ترجیح دادن زحمت کشیدن و عرق ریختن و راه رفتن بر راحتی و تنبلی را. در همه‌ی امور زندگی باید این را دنبال کرد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۹/۳)

حرکت ماندگار سیدالشهدا (ع) را نباید به یکی از سوپه‌های سیاسی یا اجتماعی در زمانی خاص تنزل داد. بلکه این حرکت نقطه عطفی در تاریخ تمدن توحیدی و به مثابه تبلوری از تقابل عینی حق و باطل بود. جریان حق و باطل در هر زمان از تاریخ می‌توانند نمونه‌هایی از تفکر، رفتار و شخصیت‌ها را در دو جبهه حادثه کربلا بیابند. حادثه عاشورا بیانگر یک فرهنگ توحیدی مهاجم به سمت تفکر طاغوتی و به همین دلیل همواره زنده، طپنده و توفنده است. نگاه تربیتی انسان ساز و موحدپرور عاشورا در پهنای تاریخ امتداد دارد.

به همین ترتیب جریان زیارت سیدالشهدا (ع) و به ویژه پیاده روی اربعین نیز نه شبیه دیگر پیاده روی‌ها و نه حتی مشابه دیگر اجتماعات مذهبی است. همانطور که حادثه عاشورا یک عینیت تجسم یافته از تقابل توحید و شرک بود، جریان پیاده روی اربعین نیز مجموعه‌ای از ارزشها و باورهای الهی را در خود نمایان ساخته است. پیاده روی اربعین تحقق عینی کمالات اخلاقی اسلام در یک برهه زمانی خاص است. این پیاده روی، کلاس عملی برای آشنا ساختن انسان‌ها با باورها و دستورهای اسلامی است. در اینجا می‌توان آنچه قرن‌ها در منابر گفته شده و در تراث کتب شیعی منضبط گردیده است، را مصداقاً یافت.

پرسش فرامتنی مهمی که برای تحلیلگران همسو و غیرهمسو خودنمایی می‌کند آن است که «چه چیزی پیاده روی اربعین را از موارد مشابه و اقربان خود در فعالیت‌های مذهبی و... متمایز ساخته و تجربه‌ای بی نظیر در ذهن شرکت کنندگان آن ترسیم کرده است؟» یافتن پاسخ جامع برای این پرسش از چند جهت مهم است:

نخست آنکه می‌توان حقیقت پنهان در پس این قالب‌ها و مناسک را یافت، این امر خود دو فایده در پی دارد. اولاً اربعین را از آسیب توقف در برخی ظواهر و مناسک و بی توجهی به روح اصلی و هدف متعالی آن مصون داشت. آسیبی که متأسفانه در جلسات عزاداری محقق شد و باید از ابتلای اربعین به آن پیشگیری کرد. ثانیاً با شناسایی روح حاکم بر اربعین و اختصاصات منحصر به فرد آن، می‌توان از محدودیت‌های زمانی و مکانی عبور کرده و حقایق یادشده را در دیگر مکان‌ها و زمان‌ها نیز تسری داد. این امر زمینه ساز زندگی دائم با فرهنگ اربعین خواهد بود. (همان سخن حکیمانه رهبر معظم انقلاب که در طلوعه نوشتار بازگو شد).

دوم آنکه با توجه به اشتیاق فزاینده مؤمنین نسبت به اربعین از یکسو و محدودیت امکانات سخت افزاری عراق و دیگر کشورها از سوی دیگر، عملاً حضور فیزیکی همه شیفتگان ابا عبدالله (ع) در این مراسم، دشوار یا غیرممکن خواهد بود. در نتیجه، باید برای انتقال فرهنگ اصیل و پیام نهفته در این ظواهر مقدس به دیگر مؤمنان تدبیری حکیمانه داشت.

اگر بتوان روح حاکم بر ارزشهای این مراسم را شناسای کرد، می‌توان آن را در قالب‌ها و بدنهای دیگر متناسب با شرایط زمانی و مکانی کشورهای مختلف بازتولید کرد. همانگونه که یاد مظلومیت سیدالشهدا (ع) و عطش او و یاران و فرزندان، محدود به زمان و مکان خاصی نیست. توفیق در این هدف، زمینه ساز زندگی مستمر با فرهنگ اربعین و ارزشهای حاکم بر آن را به دنبال خواهد داشت.

شرایط اخیری که شیوع این ویروس منحوس بر زندگی بشر تحمیل کرده است، آوردگاه جدیدی برای مؤمنان است که بتوانند تهدیدها را به فرصتی جدید برای هدایت و رشد جوامع مبدل سازند. همانگونه که در عزاداری دهه اول محرم دستاوردهایی مثال‌زدنی و فراتر از سال‌های قبل به یادگار ماند. اکنون که بر حسب ظاهر امکان حضور فیزیکی و اجتماع ظاهری در مراسم پیاده‌روی اربعین وجود ندارد، جبهه ولایی باید ابتکار خود را در چند عرصه نمایش دهد:

۱- از فراموش یا کمرنگ شدن جریان اربعین بکاهد.

۲- ارزشها و زیبایی‌های منحصر به فرد زیارت توأم با پیاده روی اربعین را شناسایی کند و هر کدام از آنها را به نوعی در حیات اجتماعی و سبک زندگی مومنان، جاری سازد. این امر موجب خواهد شد حسرت جاماندن از اربعین با شیرینی زنده نگاه داشتن روح و حقیقت ارزشهای آن در قالب‌های دیگر جبران شود.

با توجه به همین دغدغه، شماری از دستاوردهای این همایش بی نظیر استخراج شده است تا علما، سیاست‌گذاران، مبلغان، هنرمندان و دیگر شخصیت‌های تأثیرگذار متدین بتوانند هر کدام یک یا شماری از این آموزه‌ها را ترویج و تبلیغ کنند.

همان طور که گفته شد اربعین قالب و محتوا، کالبد و روحی دارد. آنچه روح پیاده روی اربعین را می‌سازد، حقایقی است که هر جای دیگر با هم گردآیند نیز می‌توانند معنویت و نورانیت اربعین را تا حدی احیا کنند. برخی از این دستاوردهای اختصاصی اربعین عبارتند از:

الف) دستاوردهای معنوی اخلاقی:

(۱) نمایش منحصر به فرد ارزشهای اخلاقی به شکل مصداقی، نه مفهومی.

(۲) تقویت توحید افعالی، اتکا نکردن به برنامه ریزی‌های ظاهری، آمادگی برای اتفاقات غیرمترقبه.

(۳) عمومیت مشارکت در ارزشهای اخلاقی، تمام اقشار از هر سن و گروهی در این مراسم مشارکت اخلاقی دارند.

(۴) تمرین عینی توکل (به دلیل قابل پیش بینی نبودن بسیاری از مشکلات برای زائران و میزبانان)

(۵) تمرین عینی ایثار

(۶) تمرین عینی محبت و سخاوت

(۷) پرهیز از راحت طلبی

(۸) شکسته شدن منیت‌های موهوم در حمل و نقل، مبیت و ... (ثروت، جایگاه اجتماعی، اختلاف طبقاتی میان عشایر، منیت‌های برخاسته از نژاد، رنگ، ملیت و ...)

(۹) آمادگی برای سختی‌ها و تقویت روحیه مقاومت

(۱۰) توجه جدی تر به فرایض دینی و حدود شرعی (حتی از سوی کسانی که در ایام غیراربعین چندان مقید نیستند)

۱۱) توجه جدی تر به نمادهای مذهبی مانند سیادت، عمامه، پرچم و ...

۱۲) کنار رفتن غرور و تبختر قومی و نژادی

ب) دستاوردهای ولایی

۱) زندگی مستمر و قیام و قعود پیوسته حول حقیقت امام (حقیقتی که حتی در جلسات مذهبی نیز محقق نمی‌شود)

۲) طیّ طریق ظاهری، تمرینی برای پیمودن راه باطنی سیدالشهدا، (از نظر زائر هر گام ظاهری به سمت کربلا در حقیقت یک گام سلوکی به سمت حقیقت امام است)

۳) تعمیق باورهای ولایی (تشبیت مفاهیم ذهنی به کمک شور و احساس معنوی)

۴) انس سالانه میهمان و میزبان با حقیقت امام به بهانه اربعین

۵) امام حسین (ع)، محور جمع شدن اراده‌های امت (حبل‌المتین)

۶) زندگی با شعائر (لباس، پرچم، حزن و اشک مستمر، انفاق ویژه برای امام و ...)

ج) دستاوردهای تمدنی

۱) تهاجم عینی به ارزشهای تمدن غربی. (تمام ارزشهای نظام شهوت زده و منفعت طلب غربی در این ایام زدوده می‌شود و ارزشهای الهی جایگزین آن می‌شود)

۲) تمرین برای زندگی در تمدن مهدوی با کنار زدن منیّت‌های موهوم.

۳) تمرین حرکت کاروانی و آمادگی برای تمدن مهدوی.

۴) تمرین برای سامان دادن تمام فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی بر محوریت ولایت.

د) دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی

۱) تجدید ارتباط میان شیعیان عراق و کشورهای دیگر مانند مهاجرین و انصار

۲) اتحاد فرق مختلف مسلمین حول محور اهل بیت (ع)

۳) اتحاد میان عرب و عجم

۴) کاسته شدن رقابت میان عشائر عراق

۵) ترسیم الگویی جدید از مدیریت و فعالیت تشکیلاتی

۶) شکوفایی ابتکار و خلاقیت در حل مشکلات (مشکلات برقراری موكب در بیابان، همراه ساختن دهها نفر زائر و ...)

۷) تقویت عملی اخلاق و تقوای اجتماعی

۸) تعاون در تحقق ارزشهای اخلاقی مانند انفاق و احسان و...

۹) تغییر سبک معماری خانه‌های عراق متناسب با خدمت به زوار

۱۰) تأثیر و تأثر فرهنگی میان امت ایران و عراق و...

• اشتیاق به فراگیری زبان و لهجه میزبان و میهمان

• تقویت بهداشت در عراق

• توجه به شئون خاص و سلیقه مهمان از سوی میزبان

• تأثیر پذیری ایرانیان در سخاوت و ایثار

• تأثیر پذیری ایرانیان در شکل مواكب و پذیرایی

• بزرگداشت شهدا در عراق که بی سابقه بوده است.

۱۱) گشایش عرصه‌ای جدید در هنر (ایده‌ها و رویکردهای بدیع در اربعین..)

ه) دستاوردهای سیاسی امنیتی

۱) یکپارچه شدن جبهه مقاومت

۲) تقویت روحیه مبارزه، ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی (حتی برای کسانی که تا قبل از حضور در این مراسم صرفاً نگاه محبتی به امام ع داشتند)

۳) بی توجهی به تهدیدات و شکستن اقتدار پوشالی و هیمنه موهوم داعش و تروریسم

۴) نفوذ استراتژیک

۵) اتحاد جمعیتی و تقویت روحیه اقتدار و خودباوری شیعیان

۶) شکسته شدن مرزهای جغرافیایی و ظاهری

۷) تعامل دولتهای اسلامی در مدیریت اربعین

۸) نمایش عینی کارآمدی جمهوری اسلامی برای زائران پس از مشاهده کاستی‌های عراق

و) دستاوردهای خانوادگی

۱) جهت دهی دغدغه سالانه خانواده. (کلیه فعالیت‌های سالانه خانواده معطوف به زیارت اربعین یا پذیرایی از زائران اربعین می‌شود)

۲) حضور خانوادگی میزبان و میهمان در رزمایش ولایت (تمام اعضای خانواده با هم در این مسیر همراهی و خدمت می‌کنند)

۳) تغییر نقطه عطف و خاطره انگیز زندگی خانوادگی از لذت مادی به انس با ولایت.



۴) اصل پذیرایی در خانه و تطهیر و نورانی ساختن خانه‌ها به نیت پذیرایی از امام.

نویسنده: عبدالله محمدی